

A Research in Identifying the Resources and References of the Bahr-ul-Maani

Somayeh Jabbarpour 

Ph. D Graduate in Persian-Mystical
Language and Literature, Urmia
University, Urmia, Iran

Abstract

Bahr-ul-Maani is a collection of Sufi mystical letters by a Sufi of the Cheshtia path, Seyyed Mohammad ibn Nasir al-Din, Jafar Makki Hosseini (732-824 AH). This book was first corrected and researched by Dr. Mohammad Sarvar Molaei and published by the the Academy of Persian Language and Literature's publications (Encyclopedia of Persian Language and Literature in the Subcontinent) in 1397. It has been mentioned as a significant and valuable mystical work in the biographies and researches of contemporary researchers and many exaggerations have been made in honor of its author. However, studying the text of the book, revealed what is contrary to what these resources indicate. The author claims pure and important mystical experiences and teachings, which he has tried to convey to his audience utmost. Nevertheless, we found traces of that important mystical material in other resources, which of course belong to other authors. In the present article we try to introduce important mystical resources which are fundamental resources of intra-textual criticism method and despite direct quoting of their contents in his book, the author has not referred to them or their authors. In this research the author's claims, who strongly believes that his writings have a rich depth of knowledge will be evaluated and also, the position of this book will be mystically discussed.

Keywords: Bahr-ul-Maani, Bibliography, Makki Hosseini, Intra-Textual Criticism.

Corresponding Author: Somaye. jabarpour@gmail. com

How to Cite: Jabbarpour, S. (2022), A Research in Identifying the Resources and References of the "Bahr-ul-Maani", *Mysticism in Persian Literature*, Vol. 11, No. 1, 83-106.



تحقیقی در شناسایی منابع و مآخذ «بحر المعانی»

سمیه جبارپور*  دانش آموخته دکتری زبان و ادبیات فارسی - عرفانی، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران

چکیده

«بحر المعانی» مجموعه‌ای از نامه‌های عرفانی صوفی طریقه چشتیه، سید محمد بن نصیرالدین جعفر مکی حسینی (۷۳۲-۸۲۴ هـ. ق) است که نخستین بار به تصحیح و تحقیق محمد سرور مولایی از سوی انتشارات فرهنگستان زبان و ادب فارسی (گروه دانشنامه زبان و ادب فارسی در شبه قاره) در سال ۱۳۹۷ منتشر شده است. این کتاب در تذکره‌ها و تحقیقات معاصرین به عنوان اثر عرفانی بسیار مهم و با ارزش معرفی شده و در بزرگداشت مؤلف آن، مبالغه‌های بسیار کرده‌اند. این در حالی است که مطالعه متن کتاب، مغایر چیزی است که این منابع می‌گویند. مؤلف کتاب، مدعی تجارب و آموزه‌های عرفانی ناب و مهمی است که سعی کرده تا آن‌ها را حتی المقدور به مخاطب نامه‌هایش منتقل کند. حال آنکه ما رد پای آن مطالب مهم عرفانی را در منابع دیگری یافتیم که بالطبع متعلق به دیگری است. در نوشتار حاضر کوشیده‌ایم تا به شیوه نقد درون متنی با معرفی منابع عرفانی مهمی که از مآخذ پایه و اساسی در نگارش مکتوبات «بحر المعانی» است و مؤلف با وجود نقل مستقیم مطالب آن‌ها در کتابش، هیچ اشاره‌ای به این منابع و صاحبان آن‌ها نکرده است؛ میزان وثاقت ادعاهای صاحب اثر را که به جد عقیده دارد مکتوبات وی از ژرفای عمیق معرفتی برخوردار است و نیز جایگاه عرفانی کتاب را ارزیابی کنیم.

کلیدواژه‌ها: بحر المعانی، مآخذشناسی، مکی حسینی، نقد درون متنی.

مقدمه

«بحرالمعانی» نوشته سیدمحمدبن نصیرالدین جعفرمکی حسینی (۷۳۲-۸۲۴ هـ ق) از عرفای سده هشتم و اوایل سده نهم هجری و از پیروان طریقه چشتیه است. خاندان محمد حسینی، اصلاً از سادات حسینی مکه بودند و بعدها، پدر حسینی، نصیرالدین جعفر به هند و دهلی مهاجرت می‌کند (مکی حسینی، ۱۳۹۷). نام محمدمکی حسینی و کتاب او در منابع و تذکره‌های متعلق به مشایخ هند به چشم می‌خورد. نکته اینجاست که اطلاعاتی که این منابع از این صوفی چشتی در اختیار ما قرار می‌دهند، مبتنی بر مطالبی است که مؤلف کتاب در اثنای برخی نامه‌هایش ذکر کرده است. بنابراین، افکار و اندیشه‌های عرفانی حسینی در تذکره‌ها و منابعی که از او اسم برده‌اند، براساس مطالبی است که خود او از احوال خویش به مخاطب می‌دهد. به عبارت دیگر، شناخت این منابع از حسینی، مبتنی بر گفته‌های خود مؤلف است، نه آنچه از بررسی محتوای یگانه اثر باقی‌مانده از وی به دست آمده باشد.

تذکره‌های کهن و تحقیقات معاصرین، محمد مکی حسینی و کتابش، «بحرالمعانی» را چنین می‌شناسانند: «عارفی شوریده‌حال» (همان) و «مست باده بی‌خمار و فارغ از گفت‌وگوی اغیار» (چشتی، ۱۹۹۳). «او را تصنیفی است مسمی به «بحرالمعانی»، در وی بسیار از حقایق توحید و علوم قوم و اسرار معرفت بیان کرده» (محدث‌دهلوی، ۱۳۸۳). «حسینی از نویسندگان برجسته، شاعر و عارف کامل و مرید قطب‌العالم شیخ نصیرالدین محمود بود» (حسینی، ۱۳۸۴). «کتاب او، «بحرالمعانی»، بسیار مهم و جذب‌کننده است» (همان) و «حق این است که کتاب بسیار مهمی است و برای کردارسازی و فهمیدن علت آفرینش و عاقبت خود، یکی از پرارزش‌ترین کتاب‌های عرفانی است» (همان). تذکره‌نویسانی چون محدث‌دهلوی، مؤلف «اخبار الاخیار فی اسرار الابرار» در بزرگداشت محمدمکی حسینی، بسیار مبالغه کرده‌اند. مشابَهت مطالب این کتاب با آنچه شیخ عبدالرحمن چشتی در معرفی حسینی در «مرآة الاسرار» بیان کرده است، این احتمال را تقویت می‌کند که اطلاعات اخبارالاخیار درباره حسینی، از «مرآة الاسرار» گرفته شده باشد. چنین رویه‌ای در تذکره‌های صوفیانه سده‌های پیشین نیز دیده می‌شود و معمولاً مآخذ اولیاءنامه‌های متأخر، آثار پیشین بوده است. این امر موجب شده است تا عمدتاً قضاوت و دیدگاه منبع متقدم در منابع سده‌های بعدی اثرگذار باشد و یا عیناً منتقل شود.

از میان آثاری که در معرفی «بحرالمعانی» و مؤلف آن، رویکردی انتقادی - هر چند ضعیف - داشته‌اند، می‌توان به «اخبار الاخیار» اشاره کرد. در این کتاب، دو عبارت درباره محمدحسینی بیان شده است که به درستی، بارقه‌هایی از تردید در مقام عرفانی و باطنی این صوفی چشتی به نظر می‌رسد، اما به سرعت محو و ناپدید می‌شود. محدث دهلوی، مؤلف اثر در جایی از کتاب می‌گوید: «در آنچه از احوال ظاهر و باطن خود نوشته است، عقل حیران است. اگر این‌ها همه بی‌شائبه تأویل و صرف ظاهر مراد است، پس وی از کاملان وقت خود است - قدس‌الله‌سره» (محدث دهلوی، ۱۳۸۳). کمی بعدتر هم می‌گوید: «وی کثیرالدعوی است و از آنچه از احوال خود بیان کرده است، محقق می‌شود که دعوی او حق است» (همان). شائبه‌ای که از ادعاهای حسینی درباره احوال باطنی وی و کثیرالدعوی خواندن او در ذهن محدث دهلوی ایجاد شده است، دور از حقیقت نیست، اما دنباله کلام نشان می‌دهد که این شبهه برای او، خیلی زود رنگ باخته است. شائبه مطرح شده در شق اول هر دو عبارت با سندی ضعیف مرتفع شده و آن در نتیجه اعتماد به گفته‌های حسینی در باب احوال عرفانی خویشتن بوده است. دیگر منابع قدیم و جدید نیز مطالبی مشابه آنچه در «اخبار الاخیار» در تعظیم جایگاه عرفانی محمدحسینی آمده است، نقل می‌کنند.

اکنون که مجموعه نامه‌های مکی حسینی با عنوان «بحرالمعانی» به تصحیح محمد سرور مولایی برای نخستین بار و به طور کامل چاپ شده است، انتظار می‌رفت که مقدمه مفصل مصحح محترم با دیدگاهی انتقادی نگاشته می‌شد و غث و سمین این اثر عرفانی و دیدگاه‌های مطرح شده از سوی مؤلف آن به درستی نموده می‌شد. ایشان نیز مانند منابع کهن و متأخر، این کتاب را به بزرگی ستوده و بر جایگاه رفیع عرفانی نویسنده آن، صحه گذاشته‌اند. به نظر می‌رسد دلیل اصلی این تلقی از احوال عرفانی مؤلف «بحرالمعانی»، غفلت و بی‌اطلاعی از منابع مهم عرفانی‌ای باشد که از مآخذ اصلی وی در نگارش نامه‌ها به‌شمار می‌آید. آنچه درستی ادعاهای حسینی را مورد تردید قرار می‌دهد، استفاده بی‌نام و نشان از این منابع است و حتی در مواردی، برداشت‌های نادرست او از مطالب آن‌ها بر ابهام برخی نامه‌های کتاب افزوده است. آنچه مکی حسینی به عنوان دیدگاه‌های عرفانی و کشف و شهودهای معنوی خود مطرح می‌کند در حقیقت، یافته‌ها و تجارب عرفای پیشین است و با بررسی مآخذ مورد استفاده در نگاشتن این نامه‌های عرفانی با کمال حیرت باید گفت که او خود را به عنوان صاحب آن اندیشه‌ها و تعالیم و تجارب عرفانی می‌شناساند.

به عقیده راقم این سطور، بایسته است تا اعتبار و اصالت مفاهیم و آموزه‌های عرفانی متن «بحرالمعانی» را -فارغ از اتکا به داده‌های مؤلف در معرفی اثر و احوالات عرفانی خود- به شیوه نقد درون‌متنی و تحقیق در ریشه مباحث مطرح شده در نامه‌ها بسنجیم و وثاقت و درستی ادعاهای عرفانی مؤلف این اثر را در بوتۀ نقد ارزیابی کنیم. با وجود آنچه منابع درباره ارزش عرفانی «بحرالمعانی» و مؤلف آن می‌گویند، مآخذشناسی این کتاب ما را به نتیجه -گیری متفاوتی با گفته‌های آن‌ها سوق می‌دهد که در نتیجه آن، تجدیدنظر کلی و تردیدی جدی را در درستی ادعاهای مکی حسینی (برای نمونه، ر. ک: مکی حسینی، ۱۳۹۷) در باب احوال روحانی و باطنی‌اش بر پایه مستندات که درنوشتر حاضر ارائه خواهیم کرد، می‌طلبد.

۱. پیشینه پژوهش

فضل تقدم در تحقیقات معاصرین برای معرفی و شناساندن کتاب «بحرالمعانی» براساس جست‌وجوی نگارنده، مقاله‌ای با عنوان «نگاهی به بحرالمعانی» از بلقیس فاطمه حسینی است که در آنجا، «بحرالمعانی» و مؤلف آن با تکیه بر اطلاعات مأخوذ از متن نامه‌ها، معرفی و تنها، بخش‌هایی از کتاب انتخاب و چاپ شده است. متن کامل این کتاب، نخستین بار است که به اهتمام محمد سرور مولایی چاپ شده و راقم این سطور هنوز نوشته‌ای انتقادی و پژوهشی درباره این اثر ندیده است. موضوع پژوهش حاضر که شناسایی منابع و مآخذ مورد استفاده مکی حسینی در نگارش «بحرالمعانی» است، حتی از نظر مصحح کتاب نیز دور مانده و در مقدمه آن، اشاره‌ای به این موضوع نشده است. بنابراین، تحقیق حاضر برای نخستین بار به مطالعه و بررسی مآخذ کتاب «بحرالمعانی» پرداخته است.

۲. روش پژوهش

در پژوهش حاضر برای کندوکاو در منابع مورد استفاده مؤلف -که به دلیل نبود ذکر نام آن‌ها و نام صاحبانشان، نشانه‌ای که به کتاب موردنظر هدایت کند، وجود نداشت- نیازمند مراجعه به تعدادی از کتاب‌های عرفانی که احتمال داده می‌شد مرجع مطلب نقل شده در «بحرالمعانی» باشد، مراجعه کردیم. از این رو، بخشی از روش پژوهش، کتابخانه‌ای است. با توجه به تعدد و تکرار دفعات ذکر بی‌نام و نشان بسیاری از مطالب کتاب از آثار عارفی مشخص، متوجه تأثر زیاد مؤلف از آن عارف شدیم؛ بنابراین، ناگزیر از مراجعه به تمام آثار عرفانی موجود از وی بودیم که برخی از آن‌ها هنوز چاپ نشده و به صورت نسخ خطی

موجود است. دسترسی به نسخ خطی این آثار از طریق سایت‌های مراکز تحقیقاتی نسخ خطی امکان پذیر شد. همچنین از نرم افزارهای مرکز تحقیقات علوم کامپیوتری نور در تسهیل و تسریع روند پژوهش و یافتن برخی مآخذ استفاده کرده ایم.

۳. بحث و بررسی

منابع و مآخذی که حسینی در نگارش ۳۶ نامه «بحرالمعانی» بدان‌ها مراجعه و بخش قابل ملاحظه‌ای از آن‌ها را در نامه‌هایش نقل کرده است، عبارت‌اند از: ۱- تمهیدات از عین‌القضات همدانی، ۲- «مرآة الاسرار» از نویسنده‌ای ناشناس، ۳- اصول‌العشره از شیخ نجم‌الدین کبری و رساله ده قاعده از میرسید علی همدانی، ۴- رساله درویشیه از میرسید علی همدانی، ۵- مشکاة الانوار از امام محمدغزالی و ۶- رساله منامیه از میرسید علی همدانی. مصحح «بحرالمعانی» از میان منابعی که نام بردیم، تنها به تمهیدات اشاره کرده و سایر منابع از نظر وی دور مانده است. همچنین، تمام مآخذ مورد استفاده حسینی در «بحرالمعانی» به فارسی بوده است. در ادامه، نحوه استفاده حسینی را از مآخذ نام برده، نقد و بررسی خواهیم کرد.

۳-۱. «تمهیدات» اثر عین‌القضات همدانی

«تمهیدات» از منابعی است که بخش عمده‌ای از مطالب مکتوبات «بحرالمعانی» از آن نقل شده است. از مجموع ۳۶ نامه عرفانی، ۲۴ نامه -چه کل نامه و چه بخش‌هایی از آن- رونوشت باب‌های مختلف «تمهیدات» است. با این توضیح که حسینی در این دسته از مکتوبات، عین گفته‌های عین‌القضات را با انتساب به خود، چنانکه گویی گوینده آن سخنان خود اوست، بازگویی و نقل کرده است. حسینی مطالب «تمهیدات» را در «بحرالمعانی» یا تلخیص و نقل به مضمون کرده یا عین جملات و عبارات آن را آورده و یا مکتوبات او در برخی مواضع، تفسیر و شرح گونه‌ای از کلام عین‌القضات است. از میان نامه‌های «بحرالمعانی» نامه‌های ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۲۴ و ۳۵ نقل مطالب «تمهیدات» است. از مکتوب ۲۵ تا ۳۵ به غیر از بخش کوتاهی از مکتوب سی و پنجم و بخش‌هایی از مکتوب سی و ششم، دیگر اثری از «تمهیدات» دیده نمی‌شود و مآخذ حسینی در باقی مکتوبات، منابعی جز «تمهیدات» است.

چند نمونه از مشابهت مطالب بحرالمعانی با تمهیدات در جدول (۱) ارائه شده است.

جدول ۱. نمونه‌هایی از مشابهت‌های «بحرالمعانی» با «تمهیدات»

بحرالمعانی	تمهیدات
(۱) پس‌ای برادر جمال لیلی با عشق مجنون می‌گوید که‌ای عشق مجنون اگر من غمزه زنم، اگر صدهزار مجنون صفت باشد، هم از پای درآیند و افتاده غمزه ما شوند و عشق مجنون نیز گوید که‌ای جمال لیلی، فارغ باش اگر غمزه تو مجنون را فنا دهد اما وصال تو نیز به بقا رساند.	(۱) دانی‌ای عزیز که جمال لیلی با عشق شیفته مجنون چه گوید؟ می‌گوید: ای مجنون اگر غمزه‌ای زنم، اگر صدهزار مجنون صفت باشند که همه از پای درآیند و افتاده غمزه ما شوند. گوش دار که مجنون چه می‌گوید. می‌گوید: فارغ باش که اگر غمزه تو فنا دهد مجنون را، وصال و لطف تو بقا دهد.
(مکی حسینی (۱)، ۱۳۹۷)	(عین‌القضات (۱)، ۱۳۹۲)
(۲) پس‌ای محبوب هر چه به تقاضای قدرت موجود است هر یک مسخر کاری معین است، اما آنچه به تقاضای محبت موجود است، مسخر به یک کار معین نیست بلکه مسخر مختار است. چنانکه احراق در آتش همچنان اختیار در آدمی است. یعنی آتش را جز سوختن صفتی نیست، همچنان آدمی را جز مختاری صفتی نیست.	(۲) ای عزیز هر چه در ملک و ملکوتست، هر یکی مسخرکاری معین است، اما آدمی مسخر یک کار معین نیست بلکه مسخر مختاریست: چنانکه احراق بر آتش بستند، اختیار در آدمی بستند؛ چنانکه آتش را جز سوزندگی صفتی نیست، و آدمی را جز مختاری صفتی نیست.
(مکی حسینی (۱)، ۱۳۹۷)	(عین‌القضات (۱)، ۱۳۹۲)

بیان مطالب «تمهیدات» -خواه با تغییر واژگان و خواه بدون هیچ تغییری- در «بحرالمعانی» تنها به نقل جملات و عبارات آن محدود نمی‌شود، بلکه، همان‌طور که سرور مولایی اشاره کرده است (مکی حسینی (۱)، ۱۳۹۷)، حسینی حالات و تجارب عرفانی و حتی موقعیت‌های اجتماعی و شخصی عین‌القضات را هم که بعضاً از سوی بدخواهان بر وی تحمیل شده بود به خود نسبت می‌دهد. برای نمونه، حسینی بارها در اثنای نامه‌ها به احتراز خود از بیان حقیقت به خاطر علمای نادان اشاره می‌کند و سخن گفتن از حقیقت را به زمانی نامعلوم -که ظاهراً هیچ‌گاه فرا نمی‌رسد- واگذار می‌کند: «این فقیر در شعاع دل و اهل ظواهر در ته گل» (مکی حسینی (۱)، ۱۳۹۷) و یا «ای محبوب، علمای نادان قلبی ندارند. اگر ایشان را قلب شود، آنگاه دانند که در بارگاه کلام این فقیر چه قلب‌هاست» (همان) و نیز «اینجا می‌گفتم، از علمای نادان احتراز کردم، اما بر آن محبوب روزگاری خواهم نوشت» (همان). این سیاق سخن گفتن در تمهیدات و نامه‌های عین‌القضات به کرات ملاحظه می‌شود. حتی تکرار کلمه المقصود و ای محبوب در لابلای کلام حسینی نیز مأخوذ از لحن عین‌القضات در نامه‌های اوست (ر. ک: عین‌القضات (۲)، ۱۳۸۷). همچنین این احتمال که ارجاع حسینی به آثاری از خود، مانند «دقایق‌المعانی» (مکی حسینی (۱)، ۱۳۹۷) یا رساله‌ای در سماع که وعده نوشتن

آن را می‌دهد (مکی‌حسینی (۱)، ۱۳۹۷) نیز تحت تأثیر رویه عین‌القضات در نوشته‌هایش باشد، امری دور از نظر نیست. با این تفاوت که عین‌القضات مخاطب را به آثاری ارجاع می‌دهد که قبلاً نوشته است، مانند «زبدة الحقایق»، اما ارجاع حسینی به آثاری است که فقط وعده نوشتن آن‌ها را داده و هنوز نوشته نشده است.

در اثنای مکتوباتی که عین جملات و عبارات تمهیدات ذکر شده بر افزوده‌هایی هم از جانب حسینی راه یافته است که در آن، سخن و نکته تازه‌ای مطرح نمی‌شود، اما خواننده نامه‌ها با ادعاهایی مواجه می‌شود که مایهٔ اعجاب و شگفتی است. مثلاً در مکتوب ششم که دربارهٔ روح است، حسینی با وجود نقل عین گفته‌های عین‌القضات، مدعی است که آنچه دربارهٔ حقیقت روح در مکتوب مورد اشاره مطرح شده، حاصل مشاهدات و معاینات خود او به لطف پیر و مرادش است (مکی‌حسینی (۱)، ۱۳۹۷) و با ذکر عبارت «نکته این فقیر آن است ...» (همان) خود را صاحب آن تجربه و گویندهٔ آن نکات عرفانی می‌نمایاند. ذکر عباراتی چون «بدانی که تا آنکه مشاهده نکرده‌ایم آنچه در قلم آمده است در قلم نیاورده‌ایم» (همان)، پس از بیان عین جملات و گفته‌های عین‌القضات در تمهیدات، موجب تزلزل اعتماد مخاطب نسبت به صحت و درستی این قبیل ادعاهای حسینی می‌شود و نیز قابلیت و استعداد عرفانی او را مخدوش می‌کند و قول محدث‌دهلوی را دربارهٔ کثیرالدعوی خواندن او باورپذیر جلوه می‌دهد.

نمونه‌ای دیگر از این قبیل ادعاهای خلاف واقع حسینی در مکاتیب هفتم، هشتم، نهم و دهم مشهود است. این نامه‌ها که به موضوع عشق اختصاص دارد در واقع، تقریر تجارب عرفانی عین‌القضات در «تمهیدات» است و صاحب این احوال و سخنان، اوست. اما حسینی مدعی است که آنچه در این نامه‌ها آمده از قلم وی تراوش کرده و ثمرهٔ مکاشفات و تجارب شخصی وی است که با عنایت پیر و قطب خود حاصل کرده است.

نکته‌ای که در این بخش بایسته است تا خواننده این سطور را بدان توجه دهیم، علت احتوای حجم عظیمی از مکتوبات «بحرالمعانی» بر مطالب «تمهیدات» عین‌القضات است. «تمهیدات» پیش از ابن عربی از آثار مهم عرفانی بوده که بیش از ۸۰۰ سال مورد مطالعه و مداقهٔ صوفیان و عرفای ایران و هند و دیگر نواحی جنوب آسیا بوده است (صفی، ۱۳۸۳). همچنین از متون مورد توجه صوفیان طریقهٔ چشتیه نیز است. گیسو دراز (وفا ۸۲۵ هـ) که از معاصرین حسینی و هم‌نام با اوست، از شارحان مشهور «تمهیدات» و از مشایخ چشتیه است. منتخبی از شرح او بر

«تمهیدات»، ضمیمه کتاب تمهیدات تصحیح عسیران، چاپ شده است. همچنین زین الدین شیرازی (وفات ۷۷۰ هـ) از صوفیان چشتیه نیز خواندن «تمهیدات» را به مریدان خود توصیه می‌کرد (صفی، ۱۳۸۳). مسعودبک از دیگر معاصران محمد حسینی هم کتابی به نام تمهیدات دارد که آن را براساس «تمهیدات» عین القضاة نوشته است (رضوی، ۱۳۸۰). تفاوتی که در نحوه نقل مطالب تمهیدات، میان این صوفیان چشتیه با حسینی وجود دارد، این است که آن‌ها هنگام نقل مطالب این کتاب از نویسنده آن اسم برده‌اند و تجارب، مشاهدات و مکاشفات عرفانی او را از آن خود نکرده‌اند. با توجه به این میزان از اقبال و توجه صوفیان چشتیه هند به تمهیدات، بعید به نظر می‌رسد که حسینی با مؤلف آن، آشنا نبوده باشد.

با اینکه هیچ اشاره‌ای مشعر بر معنی ترجمه و شرح و تفسیر و یا تلخیص «تمهیدات» و دیگر مآخذی که مآلاً بدان‌ها اشاره خواهیم کرد در بحرالمعانی وجود ندارد، اما اگر حسینی موارد متعددی را که از «تمهیدات» یا سایر منابع، بدون اشاره به نام گویندگان آن‌ها نقل کرده است به خود منتسب نمی‌کرد و اشاراتی مانند اینکه او خود با سیر و سلوک شخصی و ارشاد پیر طریقتش بدان مدارج دست یافته است، اظهار نمی‌کرد، می‌توانستیم نقل مطالب «تمهیدات» و دیگر آثار را در «بحرالمعانی»، اقتباس بدانیم؛ حتی با وجود اینکه حسینی جز در مواردی بسیار اندک و غیر قابل اعتنا، مقدار زیاد و گاه تمام مطالب «تمهیدات» و مآخذ دیگر را در نامه‌های خود ذکر کرده است. البته نقل گفته‌های عرفا در برخی آثار عرفانی، امری مسبوق به سابقه است. برای نمونه، اشرف الدین جهانگیر سمنانی از عرفای بزرگ قرن هشتم و از مشایخ متصوفه ایرانی الاصل ساکن هند در تحریر اثر خود، «لطایف اشرفی» از منابع و مآخذ عرفانی متعددی که گاه صورت نقل قول مستقیم دارد، استفاده کرده است؛ از قبیل: عوارف المعارف، مصباح الهدایه، رساله قشیریه، مرصادالعباد، آثار ابن عربی و غزالی و تمهیدات. متنها، اشرف الدین از بزرگانی که آثار ایشان از مآخذ کتابش بوده‌اند، نام برده است (جهادی، ۱۳۹۴). میرسید علی همدانی نیز بخش اعظم مطالب کتاب خود، ذخیره الملوک را از «احیاء علوم الدین» و «کیمیای سعادت» امام محمد غزالی نقل کرده، اما در متن کتابش، یک‌جا از غزالی و احیاء العلوم وی نام برده است (همدانی (۱)، ۱۳۵۸). با اینکه حسینی در «بحرالمعانی» هنگام نقل دیدگاه و اقوال عرفایی چون سهروردی، داوود قیصری، ابن عربی، حلاج و برخی مشایخ چشتیه، نام ایشان را ذکر می‌کند، اما همچنان جای سؤال است که چرا با وجود نقل بخش عظیمی از مطالب تمهیدات و مآخذی که در ادامه

معرفی خواهد شد، اسمی از عین القصات و مؤلفان آن مآخذ نمی برد و اشاره ای به کتاب آن ها نمی کند و خود را صاحب تجربه ها و یافته های آنان می نمایاند؟

۲-۳. «مرآة الاسرار» از مؤلفی ناشناس

بخش دوم مکتوب چهاردهم (مکی حسینی (۱)، ۱۳۹۷) و بخش اول مکتوب پانزدهم (همان) «بحر المعانی» با عنوان «فی بیان المشاهدات»، عمدتاً درباره موضوع قطب و ابدال است. مطالب این دو نامه، بی هیچ تغییری، عیناً از کتابی موسوم به «مرآة الاسرار» نقل شده است. شواهدی از مشابهت مطالب این دو کتاب را در جدول (۲) ذکر می کنیم که می توان میزان دخل و تصرف مؤلف «بحر المعانی» را در اصل مطلب و انتحال آن را به خود دریافت.

جدول ۲. نمونه هایی از مشابهت های «بحر المعانی» با «مرآة الاسرار»

بحر المعانی	مرآة الاسرار
(۱) و آنکه بر دست راست او می باشد نام او عبدالملک است و آنکه به دست [چپ] او باشد نام او عبدالرب است. و این وزیر یمین که نام عبدالملک دارد از روح قطب مدار فیض گیرد بر اهل علوی افاضه نماید و این وزیر دوم که در یسار است او عبدالرب نام دارد از دل قطب مدار فیض گیرد و بر اهل سفلی افاضه نماید و چون قطب مدار از دنیا ارتحال کند و به عقبی رود، این عبدالملک - که وزیر یمین است - قایم مقام مدار شود. (مکی حسینی (۱)، ۱۳۹۷)	(۱) آنکه به دست راست است نام او عبدالملک است و آنکه به دست چپ است نام او عبدالرب است و عبدالملک از روح قطب مدار فیض می گیرد و بر اهل علوی افاضه می کند و عبدالرب از دل قطب مدار فیض می گیرد و بر اهل سفلی افاضه می کند و چون قطب مدار بمیرد عبدالملک قائم مقام او شود (تهانوی (۱)، ۱۳۷۵)
(۲) و چهار اوتاد که در چهار رکن عالم ساکن اند، یکی را در مغرب ملاقات کردیم نام او عبدالودود است اعنی عبدالواحد است و دوم را در مشرق ملاقات کردم نام او عبدالرحمن است و سیوم را در جنوب ملاقات کردم نام او عبدالرحیم است و چهارم را در شمال ملاقات کردم نام او عبدالقدوس است. و چون ای محبوب یکی از ایشان متوفی می شود یکی را از نائبان می برند و به جای او می رسانند و چهار رکن عالم معمور به وجود این چهار اوتاد است، چنانکه ای محبوب کوه ها سبب سکون زمین است، این چهار اوتاد سبب معموره این جهات اربع اند. (مکی حسینی (۱)، ۱۳۹۷)	(۲) آنکه در مشرق است نام او عبدالرحمن می باشد و آنکه در مغرب است نام او عبدالودود می باشد و آنکه در جنوب است نام او عبدالرحیم و آنکه در شمال است نام او عبدالقدوس. اگر یکی از ایشان فوت گردد یکی از نائبان به جایش آید. چهار رکن عالم معمور به وجود این چهار اوتاد است چنانچه کوه ها سبب سکون زمین. (تهانوی (۲)، ۱۳۷۵)

مؤلف «مرآة الاسرار» بر ما ناشناخته است و امروز، اثری از این کتاب بر جای نمانده است. نگارنده از طریق کتاب کشف اصطلاحات الفنون و العلوم از وجود چنین اثری مطلع شد، اما مصححان کشف نیز درباره هویت صاحب «مرآة الاسرار»، ابراز بی اطلاعی کرده و نوشته اند: «کتاب فارسی لم نعثر له علی مرجع یذکره» (تهانوی، ۱۳۷۵). با اینکه «مرآة الاسرار» به زبان فارسی است، تهانوی مطالب منقول از آن را در کشف که به عربی است به همان زبان اصلی؛ یعنی فارسی آورده است. با وجود این، در آخرین و کامل ترین چاپ کشف^۱، مصححان برای یک دست کردن زبان کتاب، ترتیب اصلی آن را مراعات نکرده و قسمت های فارسی آن را به پاورقی برده و ترجمه عربی را به متن آورده اند (قربانی زرین، ۱۳۸۳).

در همین ابتدای بحث، یادآوری می شود که این کتاب «مرآة الاسرار» مورد اشاره به عنوان یکی از مآخذ مورد استفاده در «بحرالمعالی»، با کتابی با عنوان مشابه آن، یعنی «مرآة الاسرار» فی ذکر اولیاءالابرار از شیخ عبدالرحمن بن عبدالرسول بن قاسم بن شاهبُده عباسی علوی چشتی (وفات: ۱۰۹۴ هـ ق) - که در سطور پیشین از آن یاد کردیم - هیچ ارتباطی ندارد و این دو کتاب، تنها تشابه اسمی دارند. «مرآة الاسرار» عبدالرحمن چشتی براساس حدود استقصای نگارنده، یک بار به زبان اردو در پاکستان^۲ و باری هم در دهلی و توسط مکتبه جام نور در سال ۱۹۹۷ م. چاپ شده است. زبان اصلی آن، فارسی است و نسخه های خطی قابل توجهی از آن موجود است (ر. ک: تارنمای تخصصی مرکز بین المللی میکروفیلم نور و تارنمای کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی). موضوع این کتاب، زندگینامه و احوال پیران طریقت و خصوصاً مشایخ چشتیه است و تا آنجا که ما بررسی کرده ایم - چنان که پیشتر هم ذکر شد - محتملاً یکی از منابع مورد مراجعه مؤلف آن برای گردآوری احوال مشایخ متصوفه، مستقیم یا با واسطه، لااقل در معرفی محمدحسینی،

۱. مقصود، چاپ دو جلدی «کشف» است که مشخصات کتاب شناختی آن در فهرست منابع آمده است. مشخصات اولین چاپ کتاب از این قرار است: کشف اصطلاحات الفنون و العلوم (۱۸۶۲ م.). محمد علی بن علی تهانوی. به کوشش محمدوجیه و مولوی عبدالحق و مولوی غلام قادر و لوئیس اشپرنگر و ولیم ناسولیس. کلکته. (چاپ افست تهران: ۱۹۶۷) (۱۳۴۶ ش.).

۲. مشخصات کتاب شناختی اثر در فهرست منابع آمده است.

اخبارالاخیار است. بنابراین، «مرآةالاسرار»ی که مآخذ حسینی در بحرالمعانی بوده، کتاب ناشناخته‌ای جز «مرآةالاسرار» شیخ عبدالرحمن چشتی است و همان‌طور که اشاره شد، آشنایی ما با این کتاب مجهول‌الهویه از طریق کشف اصطلاحات الفنون و العلوم شیخ محمدعلی تهانوی از علمای هند در قرن دوازدهم هجری است. برای همین، می‌توان کشف را همچون گنجینه‌ای ارزشمند دانست که مطالب کتاب‌هایی را حفظ و ذخیره کرده که امروز دیگر نشانی از آن‌ها باقی نمانده است.

یکی از وجوه اهمیت کشف این است که تهانوی در تدوین این کتاب از آثار و فرهنگ‌نامه‌های معتبری که اغلب آن‌ها به فارسی است، استفاده کرده و عین عبارات آن را با ذکر نام مؤلف و کتاب، نقل کرده است (تهانوی، ۱۳۷۵).

تهانوی در چندین موضع از کتابش به «مرآةالاسرار» که هویت آن بر ما نامعلوم است، استناد کرده است (تهانوی، ۱۳۷۵). مطالب منقول در دو نامه ذکر شده در «بحرالمعانی» در کشف اصطلاحات الفنون، ذیل ماده‌های ابدال (همان)، القطب (همان)، الجبروت (همان) و الوتد (همان) آمده است. صفحات تطبیقی «بحرالمعالی» با «مرآةالاسرار» طبق صفحات کشف از قرار جدول (۳) است.

جدول ۳. صفحات تطبیقی «بحرالمعالی» با «مرآةالاسرار» طبق صفحات کشف

کشف	بحرالمعانی
ص ۱۲۷، ص ۱۸-۶ و ص ۱۲۹ و اواخر ص ۱۳۱-۱۳۳	ص ۱۳۳۱ (پانوشت صفحه)
ص ۱۳۳، بند دوم، ص ۵ به بعد	ص ۱۳۳۲ (پانوشت صفحه)
ص ۱۳۶-۱۳۷ و بند اول ص ۱۴۱	ص ۸۸-۸۹ (پانوشت صفحه)
ص ۱۳۸	ص ۱۷۵۵ و ۸۹ (پانوشت صفحه)
بند دوم از ص ۱۳۹	ص ۴۶۴ (پانوشت صفحه)
ص ۱۳۹-۱۴۱	ص ۱۳۳۱ (پانوشت صفحه)

دلایل و قرائنی وجود دارد که نشان می‌دهد «مرآةالاسرار» از آثار مکی حسینی نیست و مقدم بر «بحرالمعالی» است. نحوه استفاده حسینی از این کتاب و نقل مطالب آن در دو نامه بیان شده، مشابه با شیوه او در استفاده از دیگر مآخذ «بحرالمعالی» از جمله تمهیدات است. بدین معنی که نقل مطالب «مرآةالاسرار» در دو مکتوب یاد شده، توأم با آشفته‌گی و پس‌وپیش کردن‌های نامنظم بوده است. همین امر موجب می‌شود که احتمال اثرپذیری «مرآةالاسرار»

را از «بحرالمعانی» بسیار ضعیف بدانیم. حسینی در نقل مطالب این منبع هم، طبق روال مرسوم خود در احادیث و عبارات عربی دخل و تصرفاتی کرده است. بدیهی است که اگر «مرآة الاسرار» متأخر از «بحرالمعانی» می‌بود، مطالب آن در «بحرالمعانی» نقل نمی‌شد. اگر «مرآة الاسرار» از آثار حسینی بود، هم خود او در «بحرالمعانی» به هنگام برشمردن آثاری که قصد نوشتن آن‌ها را داشت، از آن نام می‌برد و هم تهانوی، به مانند دیگر منابع، نام مؤلف این کتاب را هم ذکر می‌کرد و علاوه بر این، تذکره‌هایی که سرگذشت حسینی را بیان کرده‌اند، نام این کتاب را هم در کنار دیگر آثار او ذکر می‌کردند.

هنگام تطبیق و مقایسه مطالب «مرآة الاسرار» با دو مکتوب مورد اشاره در «بحرالمعانی» با نکته قابل توجه دیگری هم در تهانوی مواجه شدیم و آن اینکه یکی از مآخذ تهانوی در «کشاف اصطلاحات الفنون»، کتابی به نام «بحرالمعانی» است و مصححان «کشاف»، نام کامل آن را «بحرالمعانی فی حقائق التوحید» و نام مؤلف را محمد بن جعفر المکی الدهلی نوشته و تاریخ ۸۹۱ ق. را برای وفات وی قید کرده‌اند (تهانوی، ۱۳۷۵) که مقصود ایشان، همین «بحرالمعانی» مکی حسینی است. باید بررسی کرد که آیا مقصود تهانوی از «بحرالمعانی»، همین کتاب مکی حسینی است؟ تهانوی در چهار موضع به کتاب «بحرالمعانی» ارجاع داده و نکته حائز اهمیت و قابل تأمل آن است که استناد تهانوی به «بحرالمعانی» در هر چهار مورد به تفسیر آیه‌ای مشخص از آیات قرآن کریم بوده است. آیاتی که تهانوی مخاطب را به تفسیر آن‌ها ارجاع می‌دهد، از قرار زیر است:

۱. «ثم أقول قال فی بحرالمعانی فی تفسیر قوله تعالى: (فَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِي وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ)^۱، الوقود بفتح الواو و إسم لما يوقد به النار و هو الحصب و بالضم مصدر بمعنى الإلتهاب إنتهى» (تهانوی، ۱۳۷۵).

۲. «كذا فی بحرالمعانی فی تفسیر قوله تعالى: (حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَى)^۲» (تهانوی، ۱۳۷۵). این آیه در «بحرالمعانی» در مکتوب دوم با عنوان «فی الصلوة» نیز آمده (مکی حسینی (۱)، ۱۳۹۷)، منتها تفسیری بر آن نوشته نشده است و ذکر آیه در این مکتوب،

۱. البقره (۲): ۲۴.

۲. البقره (۲): ۲۳۸.

نمی‌تواند به این معنی باشد که مقصود تهانوی از ارجاع به آن، حتماً بحر المعانی حسینی بوده است.

۳. «كذا في بحر المعاني في تفسير قوله تعالى: (الذين إِذَا أَصَابَتْهُمْ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ)» (تهانوی، ۱۳۷۵).

۴. «كذا في بحر المعاني في تفسير قوله تعالى: (إِنَّمَا نَحْنُ قُتْنَةٌ)» (همان).

از میان این چهار آیه که تهانوی مخاطب را برای آگاهی از تفسیر آن‌ها به کتاب «بحر المعانی» ارجاع داده است، تنها مورد دوم را در «بحر المعانی» مکی حسینی یافتیم و چنان که اشاره شد، تصادفاً حسینی نیز در مکتوب دوم، آیه مورد نظر را آورده، بی آنکه قصد تفسیر آن را داشته باشد. باقی موارد تا آنجا که بررسی کردیم در «بحر المعانی» حسینی نبود. این مطلب بر نکته حائز اهمیتی دلالت می‌کند و آن اینکه با قید احتمال، «بحر المعانی» اشاره شده در کشف، غیر از «بحر المعانی» مکی حسینی است. شایان توجه است که استناد تهانوی در هر چهار مورد به تفسیر آیه‌ای مشخص از آیات قرآن کریم بوده و هر چهار آیه از سوره مبارکه بقره است.

این نکته هم لازم به ذکر است که آثار متعددی به نام «بحر المعانی» وجود دارد که از آن جمله می‌توان به بحر المعانی اثر سعدالدین حموی (۵۹۵-۶۵۸ ق.) از اصحاب نجم‌الدین کبری، تفسیر «بحر المعانی» (سوره ۷۸-۱۱۴ قرآن) از محمد بن خواجگی بن عطاءالله و «بحر المعانی» از مؤلفی ناشناس و مربوط به دوره قدیم نثر دری قبل از مغول (حبیبی، ۱۳۵۴) اشاره کرد. «بحر المعانی» مکی حسینی هم در همین فهرست قرار می‌گیرد. بنابراین، با تأمل در نکاتی که ذکر کردیم، احتمال می‌دهیم که موضوع «بحر المعانی» مورد اشاره در کشف اصطلاحات الفنون، تفسیر آیات قرآن کریم بوده باشد که مؤلف آن نیز مانند مؤلف «مرآة الاسرار»، ناشناخته است.

«بحر المعانی» مورد مراجعه تهانوی، ممکن است مانند تفسیر «بحر المعانی» ابن عطاءالله در فهرست بالا، تفسیر جزئی از قرآن کریم بوده باشد، مثلاً تفسیر سوره مبارکه بقره و یا تفسیر تمام سوره‌های قرآن کریم، اما بدیهی است که این کتاب، جز کتاب تفسیر «بحر المعانی» ابن عطاءالله است که سوره‌های ۷۸-۱۱۴ را دربر می‌گیرد، چون این تفسیر شامل سوره بقره

۱. البقره (۲): ۱۵۶.

۲. البقره (۲): ۱۰۲.

نمی‌شود. با این وصف و براساس قرائنی که ذکر کردیم، احتمال می‌دهیم که مصححان «کشاف اصطلاحات الفنون» در تشخیص کتاب «بحرالمعانی» و مؤلف آن به خطا رفته‌اند و آنچه بیش از همه این احتمال را قوت می‌بخشد، موضوع این دو کتاب است، زیرا از اشارات تهانوی چنین بر می‌آید که «بحرالمعانی» مورد ارجاع او، تفسیر قرآن کریم است، اما موضوع «بحرالمعانی» مکی حسینی، مجموعه‌ای از تعالیم عرفانی است که در قالب نامه نگاشته شده و طبق تحقیقات نگارنده این سطور، بخش اعظم مطالب آن -برخلاف ادعای مؤلف- از او نیست.

۳-۳. رساله اصول العشره از شیخ نجم‌الدین کبری و رساله ده‌قاعده از

میرسیدعلی همدانی

مکتوب بیست‌وششم «بحرالمعانی» با عنوان «فی‌الاصول»، درباره‌ی منازل ده‌گانه‌ای است که سالک طریقت، موظف به پیمودن آن است تا به سرمنزله‌ی نائل آید. در مقدمه‌ی مصحح کتاب درباره‌ی مقامات و منازل طریقت، آمده است: «در بحث مقامات و منزل‌های راه نیز تفاوت‌هایی با متون دیگر از جمله با تقسیم معروف ابونصر سراج توسی در اللمع دارد. در این نامه‌ها شمار منازل همان ده است که از توبه شروع و به رضا ختم می‌شود. اما در نام منازل میان یک و ده تفاوت‌هاست» (مکی حسینی (۱)، ۱۳۹۷) و در تعلیقات کتاب، ذیل منازل ده‌گانه آورده‌اند: «ترتیب آن با تقسیمات معروف تفاوت دارد» (مکی حسینی (۱)، ۱۳۹۷). باید گفت که حسینی، هم در ترتیب منازل و هم در تعداد آن‌ها در این مکتوب، مبدع نبوده، بلکه به رساله‌ی اصول العشره‌ی شیخ نجم‌الدین کبری نظر داشته است (نجم‌الدین کبری، ۱۴۲۶)؛ حال یا با مراجعه‌ی مستقیم به خود اثر و یا به واسطه‌ی ترجمه‌ای از آن به فارسی. هم‌سانی عنوان این مکتوب با نام رساله‌ی مورد نظر شیخ کبری نمی‌توانسته تصادفی بوده باشد، بلکه قرینه‌ای است بر اینکه حسینی در نام و تعداد مراحل سلوک از این اثر پیروی کرده است.

با عنایت به این نکته که همه‌ی مآخذ مورد استفاده‌ی حسینی در بحرالمعانی به فارسی بوده و رساله‌ی اصول العشره به عربی است، احتمال می‌دهیم که حفظ و رعایت الگوی ترتیب و تعداد منازل مورد نظر شیخ نجم‌الدین کبری به واسطه‌ی ترجمه‌ای فارسی از آن به «بحرالمعانی» راه یافته باشد. از آنجا که حسینی چند نوبت دیگر هم از رساله‌های میرسیدعلی همدانی -بدون اشاره به نام او- در «بحرالمعانی» نقل مطلب کرده به احتمال فراوان، منبع مورد استفاده‌ی او در

این نامه نیز یکی از آثار همدانی به نام ده‌قاعده بوده است. این احتمال زمانی قوت می‌یابد که با بررسی تطبیقی این نامه با رساله ده‌قاعده، پی بردیم که اغلب ابیات و اشعاری که حسینی در انتهای هر منزل آورده، عیناً از رساله ده‌قاعده ذکر شده است (ر. ک: همدانی (۳)، قرن ۱۳ ق). همچنین موارد قابل توجهی از مطالب رساله ده‌قاعده، بدون کم‌ترین تغییری، در نامه بیست‌وششم حسینی نقل شده است. عباراتی که در ابتدای هر یک از منازل ملاحظه می‌شود، دقیقاً مشابه عبارات متن رساله اصول‌العشره و ده‌قاعده است، حتی گاهی چنین به نظر می‌آید که در برخی مواضع، متن «بحرالمعانی» به متن عربی نزدیک‌تر است تا ترجمه آن، یعنی ده‌قاعده، اما در بخش‌های دیگر - به خصوص ذکر ابیات در پایان منازل - غلبه با مشابهت متن به ترجمه فارسی است. حسینی به این کتاب و مؤلف آن اشاره‌ای نکرده و مطالبی هم که از جانب خود در اثنای شرح هر منزلی افزوده است، بیش از آنکه حاوی نکته‌ای عرفانی باشد، بسط و شرح مطالب مآخذ مورد اشاره است.

۳-۴. رساله درویشیه از میرسیدعلی همدانی

مکتوب بیست‌وهفتم بحرالمعانی با عنوان «فی بیان الاسرار»، خط به خط و کلمه به کلمه، رونوشت رساله درویشیه سیدعلی همدانی است (همدانی (۲)، ۱۳۷۰). اما حسینی در این مورد هم مانند دیگر مآخذ، هیچ اشاره‌ای به نام مؤلف و اثر وی که مطالب آن را نقل کرده، نکرده و حتی، آن مطالب را هم از گفته‌های خود و نتیجه مجاهدات خویش قلمداد کرده است. گفتنی است که امیر سید علی بن شهاب مشهور به میر سیدعلی همدانی (متولد ۷۱۳ یا ۷۱۴ هـ ق) از عرفای صاحب نام است که به جهت اشاعه اسلام در طی اقامت چهار ساله‌اش در کشمیر، دارای اهمیت فراوانی است. البته وی، هم به عنوان مبلغ شریعت و هم مروج طریقت کبرویه، وارد کشمیر شد و چنان‌که پیشتر اشاره شد، او نیز از علاقه‌مندان عین‌القضات همدانی و آثار وی بوده است (انواری، ۱۳۵۶). بعد از تمهیدات، رساله‌های سیدعلی همدانی از مورد توجه‌ترین مآخذ مکی حسینی در نگارش بحرالمعانی به‌شمار می‌آید.

۳-۵. «مشکاة الانوار» از ابو حامد محمد غزالی

نامه بیست‌وهشتم «بحرالمعانی» درباره مذاهب (فی المذاهب) است. حسینی در این نامه، مدعی است که در سیر آفاقی، با بی‌شمار مذاهب آشنا شده است که اگر می‌خواست همه آن‌ها را در «بحرالمعانی» بیاورد، شترها باید تا حامل حجم گران «بحرالمعانی» شوند!

(مکی حسینی (۱)، ۱۳۹۷). بنابراین، با اتخاذ رویه اختصارگویی بر آن می‌شود تا مذاهبی را که در بلاد مختلف کره خاکی با آن‌ها مواجه شده است، معرفی کند. با وجود ادعایی که حسینی در آغاز این مکتوب به قلم آورده است باید بگوییم که این نامه دربرگیرنده مطالب «مشکاة الانوار» امام محمد غزالی است که نه تنها حسینی هیچ اشاره‌ای به نام او و اثرش نکرده، بلکه، مطالب آن را حاصل کشف و شهود خود دانسته است.

«مشکاة الانوار» نیز به زبان عربی است. با توجه به این نکته که تمام مآخذ مورد استفاده در «بحرالمعانی» به فارسی بوده است، احتمال می‌دهیم که حسینی در این مورد هم به واسطه ترجمه‌ای فارسی، از مطالب «مشکاة الانوار» استفاده کرده باشد. از ترجمه‌های فارسی «مشکاة الانوار» می‌توان به ترجمه‌ای از اسحق بن یوسف فاسی (غزالی (۱)، ۱۳۶۴) و ترجمه - ای که در قرن یازدهم توسط ادهم خلخالی صورت گرفته و در مجموعه رسائل وی موجود است، اشاره کرد. ترجمه ادهم خلخالی «مصباح مشکات» نام دارد (عزلی خلخالی، ۱۳۸۱) و بدیهی است که این اثر نمی‌توانسته مآخذ حسینی باشد، زیرا حدوداً دو قرن پس از وی نوشته شده است.

حسینی چه به متن عربی «مشکاة الانوار» مراجعه کرده باشد و چه به ترجمه فارسی آن، بخش سوم این رساله را با عنوان «در معنی قول پیامبر که خدای را هفتاد حجاب از نور و ظلمت است» با دخل و تصرفاتی در نامه خود گنجانده است. به این معنی که وی مطالب بخش مورد اشاره رساله غزالی را به گونه‌ای در این مکتوب آورده که گویی خود، مستقیم، هر یک از گروه محجوبان را در سرزمینی دیده و راجع به ایشان تحقیق و با آن‌ها مباحثه کرده است! ناگفته نماند که تصرفات و تحریفات حسینی در مطالب «مشکاة الانوار»، گاه به اصل مطلب لطمه زده و موجب ابهام در مفهوم آن شده است. به عنوان مثال، حسینی در جایی درباره مذهب مجسمه و کرامیه، مطالب مختلط و مبهمی را ذکر کرده که علت آن، حذف و برافادگی‌هایی است که وی در اصل مطلب مآخذ مورد استفاده، اعمال کرده است: «این قوم در مذهب مجسم‌اند و از عوارض، ذات پاک حق تعالی را تنزیه می‌گویند، مگر جهت تخصیص به جهت فوقیت» (مکی حسینی (۱)، ۱۳۹۷). مفهوم درست این مطلب که از «مشکاة الانوار» گرفته شده در آن منبع چنین است: «و أخسهم رتبة المجسمة، ثم أصناف الكرامية بأجمعهم، و لا يمكنني شرح مقالاتهم و مذاهبهم فلا فائدة للتكثير، و لكن أرفعهم

درجه من نفی الجسمیة و جمیع عوارضها إلا الجهة المخصوصة بجهة فوق لأن الذی لاینسب إلى الجهة» (غزالی (۲)، ۱۴۱۶).

ترجمه کلام غزالی در «مصباح مشکات» ادهم خلخالی را نیز برای مقایسه با آنچه حسینی آورده است، ذکر می‌کنیم: «این قوم در مذهب مجسمه‌اند. پس از ایشان اصناف کرامیه به همگی. و مرا ممکن و میسر نیست که شرح مقالات و ملامهی ایشان کنم ... ولیکن باید بدانی که بلند درجه‌ترین ایشان آن طبقه‌اند که نفی جسمیت و جمیع عوارض آن از خداوند خود کنند، مگر جهت فوق را که تخصیص دهند وی را بدان» (عزلی خلخالی، ۱۳۸۱). مطالبی هم که حسینی از جانب خود در اثنای متن اصلی افزوده است، حاوی نکته عرفانی تازه و با اهمیتی نیست، بلکه تفسیر یا شرح گونه‌ای از اصل سخن در مآخذ مادر است و ادعاهایی که خلاف واقع است، از قبیل این قول که «این قوم مجسم را این فقیر جواب‌های باصواب بسیار گفته است ...»! (مکی حسینی (۱)، ۱۳۹۷).

۳-۶. رساله منامیه از میرسید علی همدانی

مکتوب سی‌ام با عنوان «فی بیان الشوق» درباره عالم مثال و خیال و رؤیاست. اولین نکته‌ای که درباره این نامه، جلب توجه می‌کند، عدم تناسب و هم‌خوانی عنوان نامه با محتوای آن است. در نسخه خطی متعلق به کتابخانه آزاد مولانای دانشگاه اسلامی علیگره (حسینی، ۱۳۸۴) و میکروفیلم شماره ۱۶ نسخه خطی «بحرالمعانی»، متعلق به کتابخانه درگاه عالیّه چشتیه (مکی حسینی (۲)، ۱۲۹۱)، عنوان این مکتوب «رؤیا» است و این عنوان با محتوای نامه متناسب است. عنوان این مکتوب و برخی از مکتوبات دیگر «بحرالمعانی» در چاپ مورد بررسی به دلیل اختلاف با برخی نسخه‌های خطی و از جمله دو نسخه یاد شده، جای بررسی و تحقیق مجدد دارد.

مآخذ نامه سی‌ام و نامه سی‌ودوم «بحرالمعانی» با عنوان «فی النور»، رساله منامیه میرسید علی همدانی است. حسینی متن کامل این رساله را عیناً و بدون هیچ تغییری در دو مکتوب گفته شده، آورده است، بی‌آنکه به اثر و صاحب آن، اشاره‌ای کرده باشد. بخش دوم رساله منامیه در مکتوب سی‌ام و بخش اول آن در مکتوب سی‌ودوم آمده است. به این ترتیب که حسینی از آغاز رساله تا اواسط آن را در مکتوب سی‌ودوم و ادامه آن را دقیقاً از همان جایی که در مکتوب قبل قطع کرده بود در نامه سی‌ام آورده است (جدول (۴)):

جدول ۴. صفحات تطبیقی «بحرالمعالی» با «مرآةالاسرار» طبق صفحات کشف

بحرالمعانی	رسالة منامیه
مکتوب سی ام: صص ۲۸۷-۲۸۲	برگ ۶۷۰-۶۵۸ (همدانی (۴)، برگ. ۶۷۰-۶۵۱).
مکتوب سی و دوم: صص ۳۰۲-۲۹۹	برگ ۶۵۸-۶۵۲ (همدانی (۴)، برگ. ۶۷۰-۶۵۱)

رسالة منامیه «رساله ایست در بیان حقیقت مثال و خیال مطلق و مقید و کیفیت مراتب منامات و رؤیا و درجات خلق در ادراک علوم و معانی از عوالم علوی و اطوار خیال و مثال و ارواح و اعیان و غیره» (انواری، ۱۳۵۶) و نسخه های خطی متعددی از آن در کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی موجود است (ر. ک: تارنمای تخصصی کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی).

۳-۷. باقی مکتوبات

برای نامه های ۲۹ و ۳۱ و ۳۳ و ۳۴ و بخش هایی از نامه ۳۵، منبع و مآخذی نیافتیم. با وجود رویه ای که حسینی در نگارش نامه ها در پیش گرفته است، احتمال فراوان می دهیم که مطالب این نامه ها هم از منابعی باشد که فعلاً بر ما نامعلوم است. این موضوع، حتی به مکتوباتی که بخشی از مآخذ آن ناشناخته است نیز راه یافته است. به عنوان مثال، در مکتوب بیست و هشتم که مطالب آن از «مشکاة الانوار» غزالی است، بخشی دیده می شود که از این کتاب نیست، اما تشویش ترتیب جملات و عبارات نشان می دهد که به احتمال، مطلب از منبع دیگری نقل شده و حسینی، مطابق شیوه خود، نام آن را ذکر نکرده است. در صفحه ۲۶۶ از سطر ششم، سخن از هیمیا و ریمیا و کیمیا و سیمیا است. حسینی در پایان سطرهایی که به شرح هیمیا و ریمیا اختصاص می دهد، می گوید: «پس ای محبوب، کیمیا و ریمیا این است!» یا پس از تعریف ریمیا می گوید: «این علم را هیمیا گویند» و بعد از آن می افزاید: «آن را شیخ یحیی می گویند»! (مکی حسینی (۱)، ۱۳۹۷). چنین مواردی در بحرالمعانی کم نیست و همین تشویش و عدم پیوستگی منطقی مطالب برخی مکتوبات و قراینی مشابه آن، احتمال اخذ مطالب باقی نامه ها را از منابعی که فعلاً بر نگارنده این سطور مکشوف نشده است، افزایش می دهد.

جمع بندی و نتیجه گیری

سید محمد مکی حسینی از پیروان طریقه چشتیه در نگارش مکتوبات «بحرالمعانی» از منابع عرفانی مهمی استفاده مستقیم کرده و عین مطالب آن مآخذ را در نامه های خود درج و نقل کرده است. در اثنای کتابش به آن کتاب ها و مؤلفان آن ها، هیچ اشاره ای نکرده است. در این جستار، کوشیده شد تا برخی کتاب های عرفانی که از مآخذ و منابع تعداد قابل ملاحظه ای از مکتوبات «بحرالمعانی» است، شناسایی و معرفی شود. نتیجه بررسی نشان می دهد که بخش زیادی از کتاب بحرالمعانی، نقل بی کم و کاست و گاه تحریف شده گفته های عرفای صاحب نامی است که پیشتر در کتب عرفانی ایشان ثبت شده است. با وجود این، محمد حسینی دریافت های عرفانی مؤلفان آن کتاب ها را متعلق به خود دانسته، و خود را صاحب آن تجارب روحانی نمایانده است. این در حالی است که وی، تنها ناقل مطالب عارفان دیگر بوده است، بدون رعایت حق امانت در استفاده از مطالب این متون. بنابراین، نمی توان نام اقتباس را بر شیوه او در نگارش نامه ها اطلاق کرد و این موضوع ایجاب می کند تا درباره درستی ادعاهای عرفانی و معرفتی او که در سراسر کتاب به چشم می خورد و تذکره نویسان بدان تأکید کرده اند، تجدید نظر و تأملی دیگر باره شود.

تعارض منافع

تعارض منافع وجود ندارد.

ORCID

Somayeh Jabbarpour



<https://orcid.org/0000-0002-8076-2819>

منابع

قرآن کریم

- انواری، سید محمود (۱۳۵۶). میرسیدعلی همدانی و تحلیل آثار او، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی تبریز، ۲۹-۱۲۳ (۱۳۵۶)، ۲۹۷-۳۶۳.
- تهانوی، محمدعلی بن علی (۱۹۹۶ م. = ۱۳۷۵ ش.). موسوعة کشف اصطلاحات الفنون و العلوم. مقدمه: رفیق عجم، ترجمه: عبدالله خالدی و جورج زیناتی، تحقیق: علی فرید دحروج، بیروت - لبنان: مکتبه لبنان ناشرون.

تحقیقی در شناسایی منابع و مآخذ بحرالمعانی | جبارپور | ۱۰۳

- جهادی، سیدامیر (۱۳۹۴). متن‌شناسی نسخه خطی «لطایف اشرفی فی بیان طوایف صوفی». متن‌شناسی ادب فارسی، ۳- پ ۲۷، ۶۱-۸۴.
- چشتی، شیخ عبدالرحمن (۱۹۹۳ م.). مرآة الاسرار. تحقیق و ترجمه مولانا الحاج. به کوشش: شاه-سراج علی. لاهور: نشر ضیاء القرآن [به زبان اردو].
- حبیبی، عبدالحی (۱۳۵۴). «یک کتاب ناشناخته نثر کهن فارسی: بحرالمعانی و صفوالامانی. یغما»، ۱- پ ۳۱۹ (۲۸)، ۱۳-۱۸.
- حسینی، سیده بلقیس فاطمه (۱۳۸۴). «نگاهی به بحرالمعانی سید محمد حسینی (اوایل سده نهم هجری)»، قند پارسی، پاییز، ش ۳۱.
- رضوی، اطهر عباس (۱۳۸۰). تاریخ تصوف در هند. ج ۱. ترجمه منصور معتمدی. چ ۱. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- صفی، امید (۱۳۸۳). «تمهیدات» در دانشنامه جهان اسلام. ج ۸. زیر نظر: غلامعلی حدادعادل. تهران: بنیاد دائرةالمعارف اسلامی.
- عزلی خلخالی، ادهم (۱۳۸۱). رسائل فارسی ادهم خلخالی. ج ۱. به اهتمام عبدالله نورانی، چ ۱. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- عین‌القضات، عبدالله بن محمد بن علی میانجی همدانی (۱). (۱۳۹۲). تمهیدات، تصحیح: عقیف عسیران، چ ۹. تهران: انتشارات منوچهری.
- _____ (۲). (۱۳۸۷). نامه‌های عین‌القضات همدانی. (ج ۳)، به اهتمام علینقی منزوی، عقیف عسیران. چ ۲. تهران: اساطیر.
- غزالی، محمد بن محمد (۱). (۱۳۶۴). مشکاة الانوار، ترجمه صادق آیینه‌وند، چ ۱. تهران: امیرکبیر.
- _____ (۲). (۱۴۱۶ ق). مشکاة الانوار. در مجموعه رسائل الامام غزالی. چ اول. ص ص. ۲۶۸-۲۹۲، بیروت، دارالفکر.
- قربانی زرین، باقر (۱۳۸۳). «تهانوی». در دانشنامه جهان اسلام (ج ۸)، زیر نظر: غلامعلی حدادعادل. تهران: بنیاد دائرةالمعارف اسلامی.
- کتابخانه، موزه، و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی. تارنمای تخصصی. www.dlib.ical.ir
- محدث دهلوی، عبدالحق (۱۳۸۳). اخبارالایار فی اسرارالابرار. تصحیح و توضیح: علیم اشرف‌خان. چ ۱. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- مرکز بین‌المللی میکروفیلم نور. تارنمای تخصصی. www.indianislamicmanuscript.com

مکی حسینی، محمد بن جعفر (۲). بحر المعانی شماره ۳۷. [نسخه خطی]، مرکز بین المللی میکروفیلم نور / کتابخانه درگاه عالیہ چشتیہ، احمدآباد گجرات، هند: تاریخ کتابت ۱۲۹۱ ق.

مکی حسینی، محمد بن جعفر (۱). (۱۳۹۷). بحر المعانی (مجموعه نامه های عرفانی). مقدمه، تصحیح و توضیح: محمد سرور مولایی. چ ۱. تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.

نجم الدین کبری، احمد بن عمر (ق ۱۴۲۶). الاصول العشره، در فوائج الجمال وفوائج الجلال، مصحح: یوسف زیدان، مصر، دار السعاده الصباح.

نرم افزار حکمت (۱۳۹۱). کتابخانه حکمت اسلامی. تهران: مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.

نرم افزار عرفان ۳ (۱۳۹۲). تهران: مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.

همدانی، میر سید علی (۳). رساله ده قاعده. شماره ۱۹۲ ط. [نسخه خطی]، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی. تهران: تاریخ کتابت قرن ۱۳ ق.

_____ (۴). رساله منامیه در مجموعه خطی شرح الفصول و رسائل دیگر. شماره ۱۱۵۹/۸. [نسخه خطی]، برگ ۶۵۱-۶۷۰. کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی. تهران: تاریخ کتابت ۱۰۶۴ ق.

همدانی، میر سید علی (۱). (۱۳۵۸). ذخیره الملوك، تصحیح: دکتر سید محمود انواری. تبریز: انتشارات مؤسسه تاریخ و فرهنگ ایران.

_____ (۲). (۱۳۷۰). رساله درویشیه. در احوال و آثار میر سید علی همدانی (شش رساله). مصحح: دکتر محمد ریاض. چ ۲. پاکستان: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان.

Reference

The Holy Quran

- Anvari, S. M. (1978). Mirseyed Ali Hamedani va tahlile athare ou, Journal of the Faculty of Literature and Humanities, Tabriz, Fall, 29. (123 consecutive). [In Persian]
- Cheshti, S. (1993). *Mirat al asrar*, research and translation: Maulana AlHajj. By: Shahsaraaj Ali, Ganjbakhsh Lahore, ZiaulQuran Publishing. [In Persian]
- Ein AlQozat, A. (1). (2013). *Tamhidat*, correction: Afif Osiran, ninth edition. Tehran: Manouchehri Publications. [In Persian]
- _____. (2). (2008). *Namehaye Ein alQozat Hamadani..* (3c), by Alinaghi Monzavi, Afif Osiran, second edition. Tehran: Asatir. [In Persian]
- Erfan 3 software*. (2013). Tehran: Computer Research Center for Islamic Sciences. [In Persian]
- Ghazali, M. (1). (1986). *Meshkat Alanvar*, translated by Sadegh Ayenehvand, first edition. Tehran: Amirkabir. [In Persian]
- _____. (2). (1995). *Mishka AlAnwar*. In the collection of Rasaele Imam Ghazali. First Edition. , Beyrouth, Dar alFikr. [In Persian]

- Ghorbani Zarrin, B. (2005). *Tahanavi*. In the Encyclopedia of the Islamic World. (Vol. 8), under the supervision of: Gholam Ali Haddad Adel. Tehran: Islamic Encyclopedia Foundation. [In Persian]
- Habibi, A. (1976). An unknown book of ancient Persian prose: Bahr alMa'ani and Safw alamani, Yaghma, Farvardin, twentyeighth year, vol. 1. (319 consecutive). [In Persian]
- Hamedani, M. (1). (1976). *Zakhirat alMuluk*, edited by: Dr. Seyed Mahmoud Anvari, Tabriz, Publications of the Institute of History and Culture of Iran. [In Persian]
- _____. (2). (1992). *Resaleye Darvishiye*. In the life and works of Mir seyed Ali Hamdani. (six treatises). Editor: Dr. Mohammad Riyaz. second edition. Pakistan, IranPakistan Persian Research Center. [In Persian]
- Hamedani, M. (3). *Resaleye Dah Gaede*. No. 192. [Manuscript], Library, Museum and Documentation Center of the Islamic Consultative Assembly. Tehran: 13th century AH. [In Persian]
- _____. (4). *Resaleye Manamiyeh* in the linear collection of Sharh Alfusul va Rasaele and other treatises. No. 1159/8. [Manuscript], pp. 651670, Library, Museum and Documentation Center of the Islamic Consultative Assembly. Tehran: date of writing 1064 AH. [In Persian]
- Hekmat Software*. (2012), Islamic Wisdom Library. Tehran: Computer Research Center for Islamic Sciences. [In Persian]
- Hosseini, S. (2005). Negahi be Bahr Almaani Seyyed Mohammad Hosseini. (early ninth century AH), Gande Parsi, autumn, p. 31. [In Persian]
- International Center for Light Microfilm. Specialized website. <www.indianislamicmanuscript.com>. [In Persian]
- Jahadi, S. (2015). Matn shenasy noskheye khattiye Lataife Ashrafi fi bayane Tavaife Sufi , Matn shenasi Adabe Farsi, autumn, the new period of the seventh year, vol. 3. (27 consecutive). [In Persian]
- Library, Museum and Documentation Center of the Islamic Consultative Assembly. Specialized website. <www.dlib.ical.ir>. [In Persian]
- Maki Husseini, M. (2). *Bahr alMa'ani*, No. 37. [Manuscript], International Center for Light Microfilm / Dargah Alia Chishtiya Library, Ahmadabad Gujarat, India, date of writing 1291 AH. [In Persian]
- Makki Hosseini, M. (1). (2019). *Bahr alMa'ani*. (collection of mystical letters). Introduction, correction and explanation: Mohammad Sarvar Molaei. First Edition. Tehran: Academy of Persian Language and Literature. [In Persian]
- Muhaddith Dehlavi, A. (2005). *Akhbar alAkhyar fi Asrar alAbrar*. Correction and explanation: Alim Ashraf Khan. First edition. Tehran: Association of Cultural Works and Honors. [In Persian]
- Najm alDin alKubra, A. (d. 1426). *AlOsul alAsahrah*, in Fawaih alJamal alFawtih alJalal, edited by Yusuf Zidan, Egypt, Dar alSaad alSabah. [In Persian]
- Ozlati Khalkhali, A. (2003). *Rasaele Farsiye Adham Khalkhali*. (Vol. 1), by Abdullah Nourani, first edition. Tehran: Association of Cultural Works and Honors. [In Persian]

- Razavi, A. (2001). *Tarikhe Tassvof dar Hend*,. (Vol. 1), translated by Mansour Motamedi, first edition. Tehran: University Publishing Center. [In Persian]
- Safi, O. (2005). *Tamhidat*, in the Encyclopedia of the Islamic World. (Vol. 8), under the supervision of: Gholam Ali Haddad Adel. Tehran: Islamic Encyclopedia Foundation. [In Persian]
- Tahanavi, M. (1996). *Kashafe eştelâhâte alfonun va alolum*. (2 c). Introduction: Rafiq Ajam, Translation: Abdullah Khaledi and George Zinati, Research: Ali Farid Dehrouj, Beyrouth Lebanon, Lebanese School of Publishers. [In Persian]

#



#استناد به این مقاله: جبارپور، سمیه. (۱۴۰۱)، تحقیقی در شناسایی منابع و مآخذ بحرالمعانی، عرفان‌پژوهی در ادبیات، ۱(۱)، ۸۳-۱۰۶.



Mysticism in Persian Literature is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.